خبر

گلستان نماد وحدت و همدلی در کشور است

معاون فرهنگی و اجتماعی مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور گفت: گلستان نماد وحدت و نگین زیبای همدلی و اتحاد در کشور است. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور، حجت الاسلام نورعلی دیلم در سومین جلسه هماهنگی هفته وحدت، با بیان این که اتحاد و همدلی باعث رحمت و دوری از یکدیگر موجب عذاب است، اظهار کرد: امام خمینی (ره) مهمترین عامل پیروزی مسلمین را اتحاد قلوب می دانست و همواره بر این امر تاکید داشت، اکنون هم مقام معظم رهبری بر محور اتحاد و یکپارچکی اقوام و مذاهب گوناگون تأکید فراوان دارند.معاون فرهنگی و اجتماعی مرکز بزرگ اسلامی شمال کشور تصریح کرد: در استان گلستان به برکت نماینده محترم ولی فقیه در استان آیت‌الله نورمفیدی و علمای شیعه و سنی، وحدت بین اقوام مختلف زبانزد و در کشور نمونه است.وی گفت: متأسفانه دشمن همیشه به دنبال نفوذ در صف مسلمین است و وظیفه نخبگان اجتماعی است که در راستای ترویج فرهنگ وحدت و زندگی مسالمت آمیز تلاش نمایند. دیلم افزود: یکی از اقدامات مهم در سطح استان، شناسایی موثرین و اقشار مختلف اعم از دانشجویان و جوانان، فرهنگیان و کارمندان، خیرین و معتمدین، ورزشکاران و هنرمندان، بانوان و فعالان اجتماعی، رسانه ها و مطبوعات و سایر موثرین روستاها و شهرهاست و باید با برگزاری دوره های آموزشی تحت عنوان زندگی مسالمت آمیز، در راستای فرهنگ وحدت و ترویج همدلی گامی موثر برداریم.

شکارچیان متخلف مرال‌ها تحویل مقامات قضایی شدند

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان گفت: شکارچیان متخلف حیات وحش استان در ماموریت مشترکی با یگان حفاظت تهران و کردکوی دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی محیط زیست گلستان، امیر عبدوس اظهار کرد: جانشین فرماندهی یگان‌حفاظت‌محیط‌زیست گلستان با همکاری پلیس امنیت کردکوی پس از کسب گزارش مردمی مبنی بر شکار غیرمجاز مرال در جنگل های شهرستان کردکوی و اختفای لاشه مرال شکار شده در دو منزل در روستای بالاجاده شهر کردکوی، با اخذ مجوز بازدید از منزل متخلفان از دادگستری شهرستان کردکوی، نیروهای اجرایی یگان‌حفاظت‌محیط زیست گلستان موفق شدند، مقداری از لاشه دو راس مرال و لاشه چهار طاقه قرقاول شکارشده و یک طاقه قرقاول تاکسیدرمی و یک قبضه سلاح شکاری دارای مجوز در بازرسی از منزل متخلفان در روستای بالاجاده کردکوی کشف و صورتجلسه تخلف در محل تنظیم شد. وی افزود: همزمان نیروهای یگان حفاظت محیط زیست گلستان به این موضوع پی بردند که یکی از شکارچیان اصلی در شکار این دو مرال به همراه مقداری از گوشت مرال شکار شده ساکن شهر تهران بوده و خارج از استان گلستان است که بلافاصله با هماهنگی یگان حفاظت استان تهران، با اخذ نیابت قضایی و ورود به منزل این شکارچی، میزان ۲۰ کیلوگرم گوشت مرال شکار شده، جمجمه یک راس مرال نر به همراه شاخ و یک قبضه سلاح گلوله زنی قاچاق کشف و ضبط شد. عبدوس ضمن تقدیر از عملکرد نیروهای یگان حفاظت محیط زیست استان گلستان به خصوص جانشین فرماندهی این یگان اظهار کرد: گوشت‌های مکشوفه در دو استان گلستان و تهران، برای بررسی‌های بیشتر تحویل آزمایشگاه تشخیص ژنتیک خواهد شد. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان درباره سرنوشت متخلفان این پرونده گفت: متخلفان به همراه صورتجلسه تخلف و اجزا و لوازم کشف شده تحویل مقامات قضایی شهرستان کردکوی و تهران شدند. وی اظهار کرد: افراد دستگیر شده از شکارچیانی بودند که سابقه شکار غیرمجاز و دستگیر شدن توسط نیروهای یگان حفاظت محیط زیست استان گلستان را در سال‌های قبل در مناطق استان گلستان داشتند.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

معلولانی که فراموش شده‌اند

بی‌توجهی به مشکلات معلولان یعنی عدم بهره‌مندی از ظرفیت و پتانسیل‌های بخشی از افراد جامعه و این امر می‌تواند جامعه را با چالش‌های مختلف مواجه کند. به گزارش فارس، در سال ۱۹۹۲ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سه دسامبر یا ۱۲ آذر به عنوان روز جهانی معلولان اعلام شد. هدف از نامگذاری چنین روزی به نام روز جهانی معلولان ارتقا رشد اذهان عمومی درباره مسائل مربوط به معلولیت‌های مختلف و افزایش آگاهی در این رابطه بوده است. اگر چه مهمترین هدف از نامگذاری روزی به نام روز معلولان، یادآوری حقوق این قشر و آگاهی دیگر افراد جامعه به این موضوع است اما گویی فاصله زیادی میان این اهداف تا واقعیت، حداقل در کشور ما وجود دارد، شاید برخی از مسوولان کارنامه درخشانی در خصوص پیگیری مطالبات معلولان طی چند سال اخیر از خود ارائه دهند اما واقعیت امر این است که هنوز اقدامات لازم برای رفع مشکلات معلولان، افرادی که البته جمعیت قابل توجهی در جامعه محسوب می‌شوند مناسب نیست، به عنوان مثال قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که می‌تواند مشکلاتی نظیر درمان، اشتغال، بیمه و ... که به عنوان مهمترین مشکلات معلولان مطرح می‌شود را حل کند هنوز برای اصلاح شدن پشت درهای مجلس منتظر تصویب نمایندگان است. با این وجود اگر چه به کرات شعار معلولیت، محدودیت نیست را شنیده‌ایم اما عدم مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان، نبود وسایل حمل و نقلیه عمومی، عدم دسترسی به مکان‌های گردشگری و تفریحی و مشکلات مربوط به اشتغال معلولان موجب شده تا بسیاری از افراد این قشر به رغم خواسته قلبی خود گوشه‌نشینی را به حضور در جامعه ترجیح دهند و جمله معلولیت محدودیت نیست را تنها به چشم یک شعار تلقی کنند.

بی‌برنامگی دستگاه‌های دولتی برای اشتغال معلولین

در همین رابطه عضو هیئت مدیره کانون سراسری انجمن‌های معلولان کشور یکی از مهمترین مشکلات معلولان را عدم دستیابی به شغلی مناسب عنوان کرد و گفت: یکی از وظایف سازمان بهزیستی در معاونت توانبخشی پرداختن به اشتغال معلولان است. رضا شاه حسینی تصریح کرد: در دولت‌های مختلف به فراخور زمان و مکان یکسری طرح‌ها برای ایجاد اشتغال معلولان انجام شد که البته شدت اجرای آن طرح‌ها در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است. وی بیان کرد: در حال حاضر سازمان‌بهزیستی در حال پیگیری طرح‌های اشتغال حمایتی است در واقع این طرح‌ها از الگوبرداری طرح‌های موفق سطح جهان در کشورمان اجرا خواهد شد، در این طرح یک معلول از لحاظ توانمندی‌هایی که دارد ارزیابی شغلی می‌شود و بر اساس توانمندی مشغول به کار خواهد شد و خدمات حمایتی از بهزیستی را دریافت خواهد کرد. عضو هیئت مدیره کانون سراسری انجمن‌های معلولان کشور با بیان اینکه در دستگاه‌های اجرایی هنوز اقدام خاصی برای اشتغال معلولان صورت نگرفته است افزود: طبق ماده هفت قانون جامع حمایت از حقوق معلولان باید سه درصد از استخدامی‌های کشور به اشتغال معلولان اختصاص یابد اما در این زمینه سازمان‌های دولتی از جمله آموزش و پرورش هنگام استخدام نیرو بخشنامه‌ای تحت عنوان سلامت جسمی دارند که این امر موجب اعتراض معلولان شده چرا که این کار مغایر با حقوق شهروندی است. شاه‌حسینی خواستار تغییر نگاه مدیران به مشکلات معلولان شد و گفت: باید با هم‌اندیشی و فرهنگ‌سازی موجب تغییر نگاه به مشکلات و مسائل معلولان شد و این اصل که معلولین به عنوان فردی از جامعه باید در جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت داشته باشند را نهادینه کرد.

مناسب‌سازی ۱۵ درصد از مبلمان شهری در گلستان

وی در خصوص مناسب‌سازی مبلمان شهری برای معلولان گلستان گفت: اقدامات خوبی در ستاد مناسب‌سازی استان انجام شده و گلستان جزو استان‌های پیشرو در این رابطه محسوب می‌شود، در حالیکه نسبت به سایر استان‌های کشور از عملکرد خوبی برخوردار هستیم اما این اقدامات راضی‌کننده نیست. کارشناس ستاد مناسب‌سازی محیط و مبلمان شهری گلستان ادامه داد: کمتر از ۱۵ درصد از اهداف ما در خصوص مناسب‌سازی مبلمان شهری محقق شده است در واقع نیاز داریم با فرهنگ‌سازی بستر مناسب برای حضور معلولان در جامعه و مشارکت اجتماعی فراهم شود. شاه حسینی ابراز کرد: بسیاری از مدیران فکر می‌کنند به دلیل کم بودن تعداد معلولان، نیازی به هزینه یا اختصاص اعتبار برای رفع برخی از مشکلات این قشر وجود ندارد در صورتی که این امر یک الزام قانونی است و اگر مدیری از انجام آن سر باز زند پیگرد قانونی خواهد داشت. به گفته وی بسیاری از مدیران کمبود اعتبار را دلیل عدم اجرای طرح برای مناسب‌سازی عنوان می‌کنند در حالی‌که طبق قانون، مناسب‌سازی باید در طراحی ساختمان یا بنا قبل از ساخت آن دیده شود تا موجب دوباره کاری نشود. شاه‌حسینی اقدامات خوب برای احقاق حقوق معلولان در کشورهای پیشرفته را مرهون پیگیری افراد و سازمان‌های فعال در این زمینه عنوان کرد و گفت: در کشورهای اروپایی تا حد زیادی بحث‌های مربوط به مناسب‌سازی و حقوق اجتماعی معلولان رعایت می‌شود و دلیل پیشرفت آنها این بوده که اقدامات خود را خیلی زودتر از کشور ما و با تلاش و زحمات فراوان شروع کردند در حالیکه در کشور ما قوانین پایه زیادی در این خصوص وجود دارد اما برای رفع مشکلات معلولان نیاز به قانونی که پشتوانه اجرایی از مجلس داشته باشد داریم.

حقوق حداقلی شهروندی برای معلولین

از سوی دیگر یک کارشناس ارشد جامعه شناسی در استان، مشکلات و مسائل مربوط به معلولان در جامعه را بیشمار عنوان کرد و گفت: واقعیت این است که معلولان در جامعه ما حتی از حداقل حقوق شهروندی برخوردار نیستند. فاطمه سیدی تصریح کرد: مسوولان در حوزه‌های مختلف به راحتی حقوق معلولان را نادیده می‌گیرند گویی چنین قشری در جامعه ما وجود ندارد، مدیران شهری در بحث‌های مربوط به مناسب‌سازی مبلمان شهری جدیت لازم را از خود نشان نمی‌دهند و خیلی راحت با بیان این جمله که بودجه لازم برای مناسب‌سازی نداریم از اجرای چنین برنامه‌هایی در سطح شهر شانه خالی می‌کنند. وی ادامه داد: حتی قانون‌های مصوب شده برای حمایت از حقوق معلولان به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود و به آن توجهی نمی‌شود به عنوان مثال طبق قانون جامع حمایت از معلولین باید ۳ درصد از استخدامی دستگاه‌های دولتی به معلولان اختصاص یابد اما در کمال تعجب و ناباوری یکی از مهمترین شرایط شخص شرکت‌کننده در آزمون استخدامی یا جذب نیرو داشتن سلامت جسمی است!کارشناس جامعه‌شناسی بیان کرد: در مناسبت‌ها و روزهایی که به نام معلولان نامگذاری شده است به کرات شعار معلولیت محدودیت نیست را سر می‌دهیم و از معلولان می‌خواهیم در جامعه مشارکت داشته باشند حال آنکه از خود نمی پرسیم برای حضور معلولان در جامعه چقدر زیرساخت‌ها را فراهم کرده‌ایم؟سیدی خاطرنشان کرد: بی‌توجهی به مشکلات معلولان این تصور را در اذهان به خصوص قشر معلول تقویت می‌کند که مسائل آنها برای مسوولان جدی نیست که این امر می‌تواند علاوه بر مشکلات جسمی که این قشر با آن مواجه هستند بر مشکلات روحی آنها نیز افزوده کند. وی در پایان یادآور شد: اگر چه جمعیت معلولان استان گلستان حدود ۶/۲ است و در مجموع حدود ۲۰ درصد از مردم جهان با معلولیت مواجه هستند اما این تعداد نیز رقم قابل توجهی است، بی‌توجهی به مشکلات معلولان یعنی عدم بهره‌مندی از ظرفیت و پتانسیل‌های بخشی از افراد جامعه و این امر می‌تواند جامعه را با چالش‌های مختلف مواجه کند.

کودک ۳ ساله گنبدی قربانی کودک آزاری شد

فرماندهی انتظامی شهرستان گنبدکاووس از فوت شدن کودک سه ساله گنبدی بر اثر ضرب و شتم از سوی پدر خبر داد.سرهنگ محمود علی فر در گفتگو با مهر از فوت شدن پسربچه سه ساله گنبدی در اثر کودک آزاری خبر داد و اظهار کرد: روز چهارشنبه هشت آذرماه حوالی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه عصر کودک سه ساله ای در بیمارستان طالقانی بستری می شود که پزشکان در معاینات اولیه متوجه آثار کبودی بر بدن کودک شده و انتقال کودک با این شرایط را به نیروی انتظامی اطلاع می دهند. وی افزود: با اعزام نیروها به بیمارستان و بررسی همراهان کودک متوجه می شوند پدر کودک در انتقال فرزندش به بیمارستان نقش داشته ولی تنها یکی از همسایه ها در کنار کودک حضور دارد. علی فر ادامه داد: با تحقیقات بیشتر متوجه شدیم پدر این پسر بچه قبلا سابقه ضرب و شتم فرزند خود را داشته اما با مواجه با ماموران پلیس منکر هر گونه دخالت در وضعیت پسرش می شود.وی افزود: در نهایت این پدر خطاکار زمانی که با دلایل و مدارک کافی رو به رو می شود ضرب و شتم فرزند خود را قبول می کند و شیطنت بیش از حد کودک را عامل این ضرب و شتم عنوان می کند. فرماندهی انتظامی شهرستان گنبدکاووس ادامه داد: متاسفانه این کودک بر اثر جراحات وارده عصر روز جمعه فوت شد.علی فر گفت: در حال حاضر برای این فرد پرونده ای تشکیل شده و به دادسرا اعزام شده است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۱۷۵۵ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۱۰۲/۴۰ مترمربع ملکی آقای علی اصغر آریاخواه فرزند عبداله ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ سجادیه ـ بین کوچه ۱و۳ ـ کوچه مسجد ـ سمت چپ ـ قواره دوم ـ کدپستی ۴۹۱۴۸۵۶۶۶۸ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۰۱ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۲۸۵۹ فرعی از ۱۰۸ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی باکرمحله به مساحت ۱۵۴/۱۸ مترمربع ملکی آقای مهدی محمدنژاد فرزند محمد ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۷ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ خیابان امام رضا ـ بین ۴۵ و ۴۷ ـ کدپستی .... بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی در ملک مذکور برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۰۹ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ارازمحمد شیرمحمدی فرزند عاشور محمد به شماره ملی ۲۰۳۱۹۲۷۸۸۴ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت مقدار ۱۳۱۶ سهم مشاع از ۱۰۷۵۲ سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین بمساحت ۹۲/۱۴ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۵۵۱۹۲۲ بپلاک ۵۶۳۵ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۵۸۸۷ ص ۲۵۶ ج ۳۶۵ بنام آقای ارازمحمد شیرمحمدی فرزند عاشور به شماره ملی ۶۲۸۹۶۸۳۶۶۷ ثبت و صادر گردیده است به علت جابجائی مفقود گردیده است، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.
سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۵۱۰ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد ایمری فرزند موسی به شماره شناسنامه۱۳۶۸ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه بمساحت ۲۷۶/۱۰ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۸۷۳۱۶۷الف ۹۱ بپلاک ۱۶۶۱۰ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۱۴۱۸۸ ص ۱۰۳ ج ۱۰۷ بنام آقای محمد ایمری فرزند موسی به شماره شناسنامه ۱۳۶۸ ثبت و صادر گردیده است و برابر سند رهنی ۱۱۹۴۴۲ ـ ۱۱۹۵۷۳ ـ ۱۳۹۴/۸/۵ ـ ۱۳۹۴/۹/۲۹ دفتر ۱۸ گنبد بنفع بانک مسکن بمبالغ ۱۳۵۰۰۰۰۰۰۰و ۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال در رهن قرار گرفته است و برابر نامه ۹۶۰۳۳۷ ـ ۹۵۰۵۲۱ ـ ۱۳۹۵/۹/۹ ـ ۱۳۹۶/۶/۲۱ شعبه اول دادگاه حقوقی گنبد در قبال مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ـ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دو میلیارد ریال بازداشت گردیده‌است، به‌علت جابجائی مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.
سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۵۱۱ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد احمدی فرزند حبیب به شناسنامه ۷۰ صادره بیارجمند شاهرود کدملی ۶۴۲۹۸۹۱۰۷۰ با ارائه گواهی شهادت و شهود که در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۱ تصدیق و امضا شده اعلام نموده سند مالکیت چاپی دفترچه ای الف/۵۴۷۷۳۴/۸۵ ششدانگ اعیانی احداثی در قطعه زمین موقوفه آستان قدس رضوی بمساحت ۱۴۴٫۴۰ مترمربع به پلاک ۶۸۲ فرعی از ۳۷۶۱ ـ ۳۷۷۵ ـ اصلی واقع در گرگان بخش یک حوزه ثبتی گرگان که ذیل ثبت ۱۶۷۴۰ صفحه ۲۱۶ دفتر جلد ۱۱۰ بنام نامبرده صادر گردیده و بموجب سند رهنی شماره ۶۳۱۶۴ مورخه ۱۳۸۵/۸/۸ دفتر اسناد رسمی یک گرگان در هن بانک مسکن شعبه ۵ آذر گرگان می باشد بعلت جابجایی مفقود گردیده و نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت خود را از این اداره نموده است. از این رو باستناد ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۸ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۶٫۴۶ مترمربع دارای پلاک ۱۹۷۰ فرعی از ۲۱۰ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی سرخنکلاته آقای شهریار طوسی نژاد فرزند خدابخش در ساعت ۱۱٫۳۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان سرخنکلاته خیابان رسالت روبروی اداره برق به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۱ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۶٫۴۸ مترمربع دارای پلاک ۱۹۷۲ فرعی از ۲۱۰ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی سرخنکلاته آقای شهریار طوسی نژاد فرزند خدابخش در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان سرخنکلاته خیابان رسالت روبروی اداره برق به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۲ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۶٫۸۹ مترمربع دارای پلاک ۱۹۶۹ فرعی از ۲۱۰ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی سرخنکلاته آقای شهریار طوسی نژاد فرزند خدابخش در ساعت ۱۱صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان سرخنکلاته خیابان رسالت روبروی اداره برق به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۳ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۹۶٫۱۱ مترمربع دارای پلاک ۱۹۷۳ فرعی از ۲۱۰ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی سرخنکلاته آقای شهریار طوسی نژاد فرزند خدابخش در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان سرخنکلاته خیابان رسالت روبروی اداره برق به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۴ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۴٫۰۷ مترمربع دارای پلاک ۱۹۷۱ فرعی از ۲۱۰ ـ اصلی بخش ۳ثبت گرگان واقع در اراضی سرخنکلاته آقای شهریار طوسی نژاد فرزند خدابخش در ساعت ۹٫۳۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۶ در محل وقوع ملک واقع در گرگان سرخنکلاته خیابان رسالت روبروی اداره برق به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۱۵

خبر

چهارمین دوره نمایشگاه سوگواره عکس حماسه خون در گرگان افتتاح شد

چهارمین دوره نمایشگاه سوگواره عکس حماسه خون در حوزه هنری گلستان افتتاح شد. به گزارش مهر، چهارمین دوره نمایشگاه سوگواره عکس حماسه خون شامگاه شنبه در حوزه هنری گلستان افتتاح شد. رئیس حوزه هنری گلستان در نشست خبری پیش از افتتاح این نمایشگاه اظهار کرد: ۶۵ هنرمند و عکاس در چهارمین دوره سوگواره عکس حماسه خون مشارکت داشتند و ۴۹۷ اثر در این دوره از سوگواره عکس حماسه خون به دبیرخانه این سوگواره رسید. نقی محمد نژاد افزود: از تعداد آثار رسیده به دبیرخانه سوگواره در نهایت ۴۰ اثر به عنوان آثار برگزیده از ۲۴ هنرمند و عکاس انتخاب و به نمایش گذاشته می‌شود. وی ادامه داد: آثار رسیده به دبیرخانه سوگواره توسط ابوالقاسم قاسمی، داوود عامری و محمدجواد مکتبی داوری شده و از تاریخ ۱۱ الی ۲۴ آذرماه به نمایش عموم گذاشته می شود. محمد نژاد از تهیه نرم‌افزار و کتاب دیجیتال این سوگواره خبر داد و افزود: محصولات تولید شده در مراسم اختتامیه رونمایی می‌شود. محمد نسایی ، راحله حصاری، محمد مهدی امیا، محدثه عامری ، محمد کامرانی، سحر حسن زاده، سعیده امیری، فائزه کابلی، بهادر متکی، محمد حسین پیله ور، ساناز منعمی، روح الله قادری، پوریا سبحانی، محمد قجر، هادی رعیت، آرمین سرابی، سینا طاهر نسب، سید حسین سیدین، سیدرضا میرکاظمی از جمله عکاسانی هستند که آثارشان در این سوگواره به نمایش درآمده است.

جشنواره توانمندی‌های معلولان در قاب عکس در گنبد کاووس افتتاح شد

رئیس بهزیستی شهرستان گنبدکاووس گفت: از ۱۲ تا ۱۸ آذرماه، روز جهانی معلولین است و نخستین نمایشگاه عکس، با محوریت روستا معلول در استان گلستان به میزبانی شهرستان گنبدکاووس افتتاح شد. به گزارش تسنیم، محمدرضا فشایی در مراسم افتتاح نخستین جشنواره عکس استان در گنبدکاووس واقع در پارک شهرداری اظهار داشت: در این نمایشگاه، ۴۵ عکس با موضوعات معلولین و همسالان، خانواده و معلولین، مشارکت معلولان در فعالیت‌های اجتماعی، خلاقیت معلولین، اوقات فراغت، هنر، مدرسه و غیره قرار دارد و منتخبان عکس‌ها در پایان روز ۱۸ آذرماه از نگاه بازدید کنندگان انتخاب و جوایزی اهدا خواهد شد. رئیس اداره بهزیستی شهرستان گنبدکاووس افزود: در شهرستان گنبدکاووس، حدود ۷ هزارو ۴۰۰ معلول جسمی، حرکتی، بینایی، شنوایی، روانی و غیره تحت پوشش بهزیستی هستند و از خدمات این نهاد بهره‌مند هستند. فشایی تصریح کرد: ۱۴ مرکز نگهداری، توانبخشی، حرفه‌آموزی در این شهرستان فعالیت دارند که ۴ مرکز، بیماران روانی، سالمندان، جسمی – حرکتی و پسران ذهنی بالای ۱۴ سال بصورت شبانه روزی خدمات می‌دهند. رئیس اداره بهزیستی شهرستان گنبدکاووس تاکید کرد: با توجه به اینکه مرکز نگهداری سالمندان در استان تعطیل شده، سالمندان استان در شهرستان گنبدکاووس نگهداری می‌شوند و در حال حاضر حدود ۱۰۰ نفر در این مرکز وجود دارند، ضمن اینکه در مراکز روزانه به صورت متوسط ۳۳ نفر و در مراکز شبانه‌روزی به طور متوسط ۵۰ تا ۷۰ نفر نگهداری می‌شوند. فشایی گفت: برگزاری نمایشگاه توانمندی‌های معلولین و نمایشگاه عکس، برگزاری اردوی تفریحی، جشن روز جهانی معلولین و تجلیل از معلولین نخبه، در حوزه ورزشی، علمی، اقتصادی و غیره، بازدید از کارگاه های حرفه آموزی، دیدار با معلولین قطع نخاع و غیره از برنامه‌های این هفته بهزیستی شهرستان است. عبدالقدیر کریمی فرماندار ویژه شهرستان گنبدکاووس هم در این مراسم اظهار داشت: این هفته، زمان مناسبی است تا از ظرفیت آن در جهت احوال‌پرسی و ایجاد امید و انگیزه و ارتقاء اعتماد به نفس معلولین استفاده کنیم. معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان گنبدکاووس افزود: باید در این هفته آسیب‌ها و مشکلات این حوزه احصاء شده و در برخی سیاست‌ها و روش‌ها تغییر ایجاد کنیم، تا شرایط بهتری برای این افراد در جامعه فراهم شود. کریمی تصریح کرد: در حوزه شهرستان گنبدکاووس، فعالیت‌های خوبی در بخش معلولین صورت گرفته است.

نگاه

دیدن بیژن الهی

به مناسبت سالروز درگذشتش

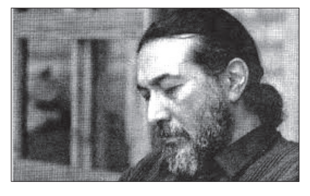

سایه اقتصادنیا- بیش از آن که دربارهٔ شعرش و معیارهای ادبی حاکم بر آن سخن گفته شود، در مباحثات جریان‌شناسانهٔ شعر معاصر به نام او برمی‌خوریم: بیژن الهی، شاعری کناره‌جو و ساکت، که از سرچشمه‌های جریان شعر دیگر است و در جست‌وجوی ردّپای او باید به نشریات ادبی دههٔ چهل شمسی نگاه انداخت: در «جنگ طرفه»، و سپس در «جزوهٔ شعر» شعرهایش را چاپ کرد و در «اندیشه و هنر» هم شعر و هم ترجمهٔ شعر. ترجمه‌هایش را به صورت کتاب نشر داد، اما تا سال ۱۳۹۳ هیچ مجموعهٔ منظمی از شعرهایش در دسترس نبود. سرانجام نشر بیدگل چهار دفتر از شعرهای او را در مجموعه‌ای به نام دیدن کتاب کرد. این دفترها عبارتند از: «چارگوش خودی»، «گاهان»، «اتاق علفها»، «علف ایام». داریوش کیارس، که در تدوین این مجموعه دست داشته، سرگذشت این کتاب را در مؤخره‌ای کوتاه توضیح داده است. این کتاب شامل تمام سروده‌های الهی نیست اما ما را با بیژن الهی شاعر در «دورهٔ میانی زندگی شعری‌اش» مواجه می‌کند.

دفتر «چارگوش خودی» شعرهای سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۸ را در بر دارد و یکی از منسجم‌ترین و بهترین سروده‌های الهی به نام «دعا برای آرامش» در آن درج شده است. این شعر شتابنده و آهنگین است و لحن آن یادآور متون مقدس:

...صور می‌دمند و بهار دمیده...
دیگر، زنهار، بوسه‌یی نپذیر،   چه
خدای تو، بیرحمانه، بخشنده‌ست.
خود را نه به عطر مجازات توانی کرد،
نه   درباد.
و، این‌گونه، سخت مجازات می‌شوی.

طنین متون مقدس در قطعات دیگر نیز به گوش می‌رسد، و گاه اشاراتی مستقیم نیز به همراه دارد. می‌توان «در زمینه‌ی پشت» را مثال آورد که با برداشتی اساطیری از حکایت حضرت لوط سروده شده و گویی می‌خواهد روایتی نو از خیانت همسر لوط به دست دهد:

پس تیز برو! تیز برو! اما
بزرگترین دفینه‌ای اگر
این جا در خاک کرده‌ای،
کوتاهترین درنگ را نمی‌توان
از حقّ تو بیرون دانست؛
پس تحمّل کن –
تحمّل ستون بودن را:
ستونی از نور
که فقط پرندگان کور بر او تکیه می‌زنند.

گشت و گذار الهی در دنیای اساطیر فراوان نشانه از خود به جای گذاشته: «تانداوا» وامدار اساطیر هند، «مرداب‌های شمنیس» و «و آمون می‌میرد» بهره‌مند از اساطیر مصر باستان، و «در نم هاله‌ها» جرقه‌ای از اوستای زرتشت است. این نشانه‌ها به ما می‌گویند که غرق شدن الهی در عالم عرفانی خاص و سلوکی منحصر به خویش، بی‌ریشه و ناگهانی رخ نداده بود. زمینهٔ مطالعات شخصی او، در کنار گرایش‌های درونی و فردی‌اش، رفته‌رفته او را به انزوای عرفانی مخصوصی کشاند و کارهای ادبی‌اش را جهت داد. درنگ در لحظه با زبان شطح شاخص‌ترین وجه اشعار اوست. کتاب حلاج‌الاسرار، که بازسرایی اشعار حلاج و ترجمهٔ پاره‌هایی منثور از اوست، نیز حاصل همین روند است.

اما درونمایه‌ها همه از عرفان و اسطوره نیست. الهی عاشقانه‌هایی آرام و سکرآور نیز دارد که به زمزمه‌های عاشق در گوش محبوب می‌ماند. البته تعدادشان زیاد نیست. «پریخوانی»، «دو قطب یک رخوت»، و «گلوبند خانم آ.» از جملهٔ آنهاست.

در «اتاق علفها» (۱۳۵۰) به تغییراتی در زبان شعر الهی برمی‌خوریم. توصیف، که عنصر اصلی شعر اوست، با دیالوگ پیوند می‌خورد و شعر از صورت تک‌گویی‌های درونی شاعر فاصله می‌گیرد. گفت‌وگو به کمک زبان شعرها می‌آید و بدان‌ها تنوع و سبکی می‌بخشد، سطرها طولانی‌تر و خطابی می‌شوند و شاعر پوستهٔ تنهایی‌اش را اندکی پس می‌زند. بخش « نحو محو» نیز جالب است: عنوان هر سروده نام جانوری‌ست و شعر در حال و حواشی آن. فیل، گوزن، مار، دمجنبانک، چلچله، حلزون و .... برای نمونه «شبتاب» را با هم بخوانیم:

پدرم کجاست؟ کو مادر من؟
خوابم نمی‌برد بس که ترم.
چرا نمی‌سوزم ازین روشنی
که بافته‌ام؟   اما یک شب
مادران مرا میان علف می‌یابند
که شفا یافته‌ام.

الهی، در سال‌های واپسین عمر و به ویژه پس از مرگش، دوباره در دید قرار گرفت. موج بازخوانی و اشتیاق کشف دنیای شاعران دورماندهٔ دهه‌های قبل، که با بازچاپ مجموعه‌ها و پژوهش روی آثار ایشان آغاز شده بود، به او هم رسید اما الهی خیال به در آمدن از پیله نداشت. در ۱۳۸۹، در خاموشی و انزوایی خودخواسته درگذشت و شعری بی‌شرح و حاشیه از خود به جا گذاشت.

شاعر عارف یا درویش شاعر

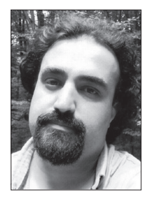

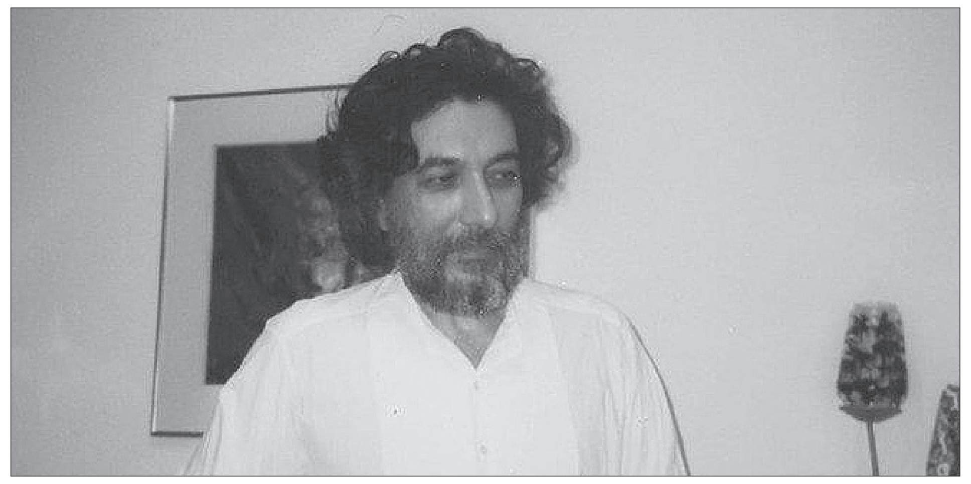

حنیف خورشیدی-«حضور شاعر در جهان شعر ، حضوری مبتنی بر اتحاد است ، نگریستن به وحدت در عین کثرت ، تشخص بخشیدن به ریشه ها و یگانه شدن با هسته های درونی شعر ، همانگونه که شعر کلاسیک و سنتی ما اثر مستقیم بر ذهن و زبان نیما وشاعران پس از ان داشته است ، به همان نسبت شعر امروز هم ریشه در دل موج نو و شعر*حجم دارد . شاعرانی که در فرصت های سریع ، نگاهشان را به یک نقطه از موقعیت های زمانی و مکانی معطوف کرده اند تا به معرفتی برسند که درهای ناخود آگاه برابرشان گشوده شود و به درک تحول زبان در زمان برسند» . شاید همین برجسته شدن شعر و شاعران « شعر دیگر » و « حجم » و « موج نو » در دهه ی هفتاد تا همین امروز شاعران سطح و منتقدان سطحی را گرفتار موضع گیری و غفلت کرده است و بی پشتوانه ادبی و فرهنگی خواسته اند که با ساده نویسی و شعر گفتار و با روایت و توصیف به حذف شعر دهه هفتاد اقدام کنند که در نیمه ی راه ناکام ماندند . شاعران اندیشمند و آوانگارد « شعر حجم » و « شعر دیگر » که به نوعی امضاءکنندگان – مانیفیست شعر حجم –به جز بیژن الهی- بوده اند و در آن عصر خاص و محدود بیانیه ای را با آن قدرت و جسارت به ادبیات و زبان فارسی پیشکشی می کنند پس از گذشت کمتر از نیم قرن تلاش هنوز هم نفوذهای پنهان و پیدایی در ادبیات آوانگارد دارند و به جای اینکه رسم و قاعده ای را موعظه کنند خود ، رسم و قاعده می شوند و این گونه متعلق به کسی یا گروهی نمی مانند ، چون کسی که آن را کشف می کند از طریق شعرهاست که به این معرفت پنهان می رسد نه از طریق شاعران آن ، پس لزومی به ترسیم رسم و قاعده نیست . به طور مثال کسانی که با شعرهای بلند و سرشار از آفرینش « بیژن الهی » ، « یداله رویایی » ، « رضا زاهد » ، « منصور خورشیدی »، «بهرام اردبیلی » ، « حمید عرفان » ، « پرویز اسلامپور » ، « فیروز ناجی » و غیره آشنایی دارند خوب می دانند و شیفته ی این نوع هنر زبانی هستند و عطش کشف این هنر زبانی را دارند ، جوهر حرکت در خلق و آفرینش شعر را می شناسند ، راهی برای ورود به قلمرو آن باز می کنند که در شعاع رضایت کسانی باشد که تحول خود را در تعالی شعر آوانگارد « شعر حجم» و شعر دیگر می بینند . . .

اما در این میان ، شاعران بسیاری بودند که بخاطر تغییر و تحولات درونی و یا اجتماعی ، سیر الی الوطن و یا سیر در خویش را آغاز کردند و دیگر کمتر آدرسی از آنها یافت شد مثل رویایی . بهرام اردبیلی ، هوشنگ چالنگی ، فیروزناجی که مدتها در غربت بوده و هستند برخی مثل بیژن الهی ، ساکن کشور بودند اما کمتر کسی از احوال آنان خبر داشت . انتشار مقالات ، نقدها و مصاحبه های مستمر و حضور پررنگ منصور خورشیدی و هرمز علی پور و راحامحمدسینا و حسین مدل و... در فستیوال های مختلف شعر و مجلات و صفحات سایت های ادبی توانست همچنان به قدرت وشناساندن جریان های اندیشگی شعر حجم و موج نوی ان سالها و موج نو این سالها به یاری جوان تر هایی مثل « علی مؤمنی » ، « رستم اله مرادی » ،« احمد رضا چه که نه ای » ، « قاسم هاشمی نژاد » کمک کند . اما جنس ادبیات و زبان شعر « بیژن الهی » متفاوت بود ، انتشار علم اشارت، جسم نهفته در عرفان پنهان و زبان در کام او . . .

بیژن همه در درد و شوق بود ، و در شیوه ی معرفت . کشف و شهود و شعر ، شأنی رفیع داشت . آنهایی که با روحیات بیژن آشنا بودند بهتر از هر کسی می دانند که خلق زبان و کشف شهود در ادبیات برای او راهی برای رسیدن به کمال معنوی و عرفانی بوده است . شاید بتوان نگاه « بیژن الاهی » در شعر و معنویت و عرفان را – که همواره در تنهایی و سکوت و کشف و شهود و درک عوالم دیگر – بوده است را به نگاه عارف و درویشی باند آوازه که حضرت عطار نیشابوری در وصفش می فرماید: « آن قطب به استحقاق ، آن منبع اسرار ، آن مرتع انوار ، آن سبق برده به استادی ، سلطان طریقت ؛ جنید بغدادی – رحمته اله علیه – نزدیک دانست ، آنجا که در وصف ایشان آمده است : « روزی که کار جنید بالا گرفت و آوازه ی او به عالم رسید و در هر چه او را امتحان کردند ، هزار چندان آمد . چون جنید سخن بلند شد ی «سری سقطی» [مراد و پیر جنید] او را گفت : « تو را وعظ باید گفت . جنید متردد خاطر شد و رغبت نمی کرد و می گفت : « با وجود شیخ ، ادب نباشد سخن گفتن » تا شبی ، مصطفی را – علیه الصلوه والسلام – به خواب دید که گفت : « سخن بگوی » بامداد برخاست تا با « سری » [مراد و استاد خودش] گوید . سری را دید بر در ایستاده . گفت : در بند آن بودی که دیگران تو را گو یند سخن گوی ؟ اکنون باید گفت ، که سخن تو را سبب نجات عالمیان گردانیده اند ، چون به گفتار مریدان نگفتی و به شفاعت مشایخ بغداد نگفتی و من گفتم و نگفتی ، اکنون چون پیغمبر فرمود بباید گفت . » جنید اجابت کرد و استغفار کرد . گفت : « بگویم به شرط آن که از چهل تن زیادت نباشند » . روزی مجلس گفت : چهل تن حاضر بودند ، هجده تن جان بدادند و بیست و دو بیهوش شدند و ایشان را بر گردن نهادند و باز خانه ها بردند [به خانه هایشان بازگردانیدند] . شاید تمام دغدغه های « بیژن » همه این بود که شعر ، حاکم نمی پذیرد و بر سر این بود که حکم نمی کند .

از حیات شاعرانه شاعر – که حالا دیگر مؤلف مرده است – چیزهای زیادی در دست نیست . زیرا سالهای سال – بیش از چهار دهه – است که او در خلوت وخرابات خویش در کشف و شهود است . حتی شعرهای او نیز محدود و معدود است . او در تمام این سالها که در متن ادبیات نبود ، درویش بود ، نمی خواست حرف بزند کسی را به خلوت خود راه نمی داد . شاید جایی ، با کسی ، دوستی ، خبرنگاری ، مریدی ، غریبه ای ، و یا حتی با سطرهای سپید کاغذ حرف های منتشر نشده ای داشته باشد که بعد از خودش انتشار یابد ، اما سوالهای نشده ای که از او بر دل مشتاقان « شعر دیگر » بر جای ماند بسیار است و این عارف شاعر ، به سوال های تاریخ ادبیات ، سکوت را هدیه داده است . « بهرام اردبیلی » [که پس ازسی سال زندگی در امواج ، به ایران آمد] در وصف بیژن الهی سخن های فراوان گفت ، هرچند تاریخ آن حرفها و خاطرات و نقل قولها به سه – چهار دهه قبل باز می گردد ، اما شعور و آگاهی بیژن را در شعر و کشف شهود نشان می داد.

جایی که بهرام در وصف بیژن می گوید: بیژن اژدهاست. . . .

[البته کلمه اژدها در دایره واژگانی بهرام یعنی بزرگ و اعجوبه ، زیرا وی در طول سی سالی که در وطن نبود هیچ کسی را در اطراف خود نمی دید که با او فارسی حرف بزند و یا اصلا کسی نبود که با او حرف بزند !! در خلوت و تنهایی و انزوای خود بود و کاری به کار دنیا و آدمهایش نداشت ... بهرام اردبیلی هر چند یکی از امضاء کنندگان ماینفست حجم بود ، به بیژن و شعر وفادار تر بود و شیوه ای را که بیژن در ذهن بهرام افکنده بود به همان موج نو شباهت بیشتری دارد تا به حجم...

بهرام اردبیلی درباره بیژن که می خواهد راهی در زبان های دیگر دنیا باز کند می گوید: بیژن اژدهاست ..... بیژن در آن موقع شروع کرد به فرانسه یاد گرفتن انگلیسی یاد گرفتن عربی یاد گرفتن.... برای اینکه خیلی جدی است توی کارش برای اینکه هیچوقت هیچ کاری نمی کند جز آن کاری که باید بکند . هیچوقت هم هیچ شغلی نداشت جز خواندن و نوشتن. برای اینکه او تنها پسر خانواده بود و لازم نبود کار بیرون کند دیپلم و مدرسه را هم نصفه کاره رها کرد و پدرش را عصبانی کرد. خانواده اش به او میگفتند که اگر درست را نخوانی تو هیچ کسی نمی شوی و او هم گفت من هم همین را می خواهم که هیچ کس نشوم می خواهم خودم بشوم . بعد پول تو جیبی اش را هم جیره بندی کردند اما او کار خودش را میکرد. بیژن الهی آن زمان که در اوج شهرت بود و مریدان بزرگ بسیاری را در کنار خود داشت و می توانست به واسطه آنها تا دهه ها مطرح شود تریبون های مختلف داشته باشد – لا اقل به واسطه شعر دیگر و موج نوی شعر – به خلوت خود گریخت و دیگر هیچ گاه از این دایره شهودی بیرون نیامد و هیچکس هم نشان و نشانه ای از او در جایی ندید....بهرام اردبیلی در جایی می گوید: بیژن خیلی بسته است مال خودش است. بازاری نیست. هیچوقت بازاری نبود. همه به او راه می دادند تا یکی از کارهایش را بتواند چاپ کند. ولی او اینجوری نبود همیشه کار میکرد و مطلب می نوشت. ما کار بیرون داشتیم ولی او کار بیرون نداشت و همیشه در خانه میان کتاب ها بود . نوشتن و خواندن . حدود پنج سال برای ترجمه اشعار لورکا زحمت کشید . ماه ها طول می کشید تا یک لغت انتخاب و یا عوض کند. بعد هم با هر کسی که با یک زبان آشنا بود مشاوره می کرد که مثلا این جمله اسپانیایی اش چطور است؟ یا عربی چه می شود . حال برای شناختن بیژن الهی زود است.... حالا خیلی زود است....

[این مطلب از روی مصاحبه دوست عزیزم داریوش کیارس در سال ۱۳۸۳ برداشته شده است که بهرام با اعتقاد کامل می گفت خیلی زود است برای شناختن بیژن... حالا دیگر نه بیژن در میان ماست و نه بهرام... هنوز شناخت های ما از این شاعر عارف در حد همان چند شعری است که همه خوانده اند .... شاید روزی مصاحبه کامل و گفت و جوی مبسوطی با بیژن الهی بیرون بیاید که ما را با زوایای دیگر این شاعر آوانگارد، این پیر اندیشه در عصر فروتن شعر ، آشنا کند.]

بیژن الهی را گاهی شاعر تصویری که به سرایش تصاویر بکر پرداخته می شناسند. شاعری بزرگ که در تیرماه ۱۳۲۴ در چهارراه حسن‌آباد دیده به جهان گشود و در نوجوانی در کلاس‌های نقاشی جواد حمیدی حضور یافت. شاید کثرت تصاویر ناب شاعرانه وی ریشه در همین ایام نوجوانی و کلاسهای جواد حمیدی داشته باشد. الهی نخستین شعر خویش را با دعوت فریدون رهنما در شماره آبان ماه ۱۳۴۳ مجله طرفه به چاپ رساند و این آغازی بود برای همکاری وی با اسماعیل نوری‌علا در انتشار مجله جزوه شعر. الهی در زمره شاعران موج نو و شعر دیگر بود که برخی از ترجمه‌های او نیز در مجله‌ی اندیشه و هنر منتشر شده‌اند. عنوان این جریان شعری یعنی «موج نو» را نیز فریدون رهنما یکی از چهره‌های دهه‌های سی و چهل ادبیات معاصر فارسی پیشنهاد کرد و هم او بود که با حمایت از پرویز اسلامپور ، احمدرضا احمدی ، بیژن الهی و سایر شاعران «شعر موج نو» موجب شد تا این گونه شعر با استقبال شاعران جوان دهه چهل و پنجاه مواجه شود. با این حال، خود بیژن الهی پس از مدتی دیگر از عنوان «شعر موج نو» استفاده نکرد و به تدریج از مجامع و جریان‌های شعری کناره گرفت. بیژن الهی در سال ۱۳۶۷ برای اولین باز با ژاله کاظمی ، نقاش و گوینده ی رادیو ازدواج کرد . وسپس با غزاله علیزاده ، داستان نویس ایرانی برای بار دوم ازدواج کرد که حاصل این ازدواج یک دختر بود. از تألیفات او می توان به مجموعه ی شعردیدن اشاره کرد که نخستین بار در سال ۱۳۹۳ توسط نشر بیدگل منتشر شد . جوانی ها از چهل و یک تا پنجاه در سال ۱۳۹۴ نیز توسط نشر بیدگل منتشر شد. بیژن الهی در زمینه ی ترجمه نیز آثار درخشانی را منتشر کرد ، از آثار او می توان به حلاج الاسرار که شامل ترجمه ی یادداشت ها و دیگر اشعار حسین‌بن‌منصور حلاج ، چهارشنبه ، خاکستر از تی‌اس‌الیوت ، بهانه‌های مأنوس از فلوبر، نیت خیر از فردریش هولدرین ، مستغلات از هانری میشو ، دره ی علف هزار رنگ از شکسپیر ؛ اشاره کرد. از الهی ترجمه هایی از کنستانتین کاوافی در نشریه این شماره با تأخیر نیز به چاپ رسیده است . بیژن الهی در دهم آذر ۱۳۸۹ بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت ، پیکر او در گورستانی در روستای بیجده‌نو از توابع استان مازندان به خاک سپرده شد. بنا بر وصیت وی هیچ نامی بر سنگ گور وی حک نشد.

مرا دفن سراشیبها کنید که تنها
نمی از باران به من رسد
اما   سیلابه اش از سر گذر کند
مثل عمری که داشتم.
بیژن الهی

غیاب مفهوم دیگری در نوشتار امکان ندارد

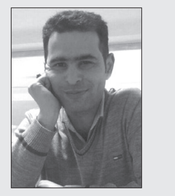

مازیار عارفانی

مروزه مفهوم «دیگری» اهمیتی بسزا و صدالبته پرکاربرد، در مباحث نظری اعم از جامعه‌شناسی، روانشناسی و... یافته است. با اینحال بحث ما پیرامون مفهوم دیگری حاصل تدقیق در چارچوب نظری ادبیات است؛ اینکه این مفهوم در وضعیت ادبی چه جایگاهی دارد و شیوه‌های برخورد با آن تا چه حد راهبردی است؟! هگل می‌گوید «دیگری آینه خودآگاهی است.» یعنی سوژه از طریق تعامل و نظر در دیگری است که می‌تواند به آگاهی نسبت به وضعیت خود دست یابد. شاید از همین گزاره ساده و در عین حال صریح بتوان نتایجی را منتج کرد که راه بر بسیاری از تعاریف اعجاب‌انگیز پیرامون مفهوم دیگری در ادبیات ببندد. بعنوان نمونه یکی از نظریه‌های مکرر این روزهای نقد ادبی ایران، غیاب مفهوم دیگری در شعر فارسی است. اما آیا چنین چیزی بر اساس گزاره هگل امکان‌پذیر است؟! اگر نوشتن را شکلی از خودآگاهی و متعاقبن معرفت نسبت به زبان و جهان بدانیم که بر بستری خارج از انزوا و تجرید شکل گرفته، چگونه امکان دارد که خودآگاهی در غیاب دیگری شکل گرفته باشد؟ از این‌رو با تبیین و تشریح گزاره هگل بر ما روشن خواهد شد که نوشتن، تولید ادبی و ورود به ساحت زبان تحت عنوان مفهوم خودآگاهی میسر بوده و یک نوع مواجهه جدی با مفهوم دیگری است؛ بنابراین نمی‌توان هیچ متنی را فاقد حضور دیگری قلمداد کرد؛ در واقع امر نوشتن بدون حضور دیگری از اساس امکان‌پذیر نمی‌باشد. اما این پایان کار نیست. هگل، یاسپرس، لویناس، دریدا، سارتر، باختین و بسیاری از متفکران دیگر بحث‌های مفصلی را در باب مفهوم دیگری مطرح می‌کنند که شاید تعمیم و تطبیق نادرست آنها به نقدهای ادبی امروز، ما را دچار سوتفاهماتی عمیق کند. آنچه این متفکران بر آن تاکید می‌کنند هرگز دال بر غیاب مفهوم دیگری در هیچ کجا، اعم از جامعه یا متن ادبی نیست، بلکه مهمترین بحث بر روی سازوکار رسیدن به این خودآگاهی در اشکال متفاوت آن است. هر انسانی پس از تولد و ورود به حیطه‌های اجتماعی ناخودآگاه به خودآگاهی و حضور دیگری دست خواهد یافت، مگر آنکه در تجرید مطلق و جزیره‌ای نامسکون قرار داشته باشد! حتی جوامع بدوی و ابتدایی نیز به درکی مخصوص به خود از دیگری در ساحت بکر و بسته‌ی آن جوامع دست می‌یابند. از این‌رو نقطه عزیمت و اساسی مفهوم دیگری، نه در حضور یا فقدان آن، بلکه در نوع مواجهه و پرداختن به آن قرار دارد، زیرا در غیاب دیگری، هیچی(منی) وجود ندارد تا به خودآگاهی رسیده و به ساحت زبان و جهان وارد شود. با این شرایط می‌توان بر خرافه‌ی غیاب دیگری در نوشتار ادبی خط بطان کشید و سراغ پاشنه‌آشیل متون ادبی در مواجهه با دیگری رفت: یعنی شیوه‌ی خودآگاهی زبانی و نقش دیگری در شکل گیری متن. گرچه بسیاری از اشارات نقدادبی امروز در باره «دیگری» حاوی نکاتی حائز اهمیت است، اما بزرگترین خطری که این نوع نگاه را تهدید می‌کند «بی‌چهره‌گی» دیگری است. اینکه ما نمی‌دانیم این دیگری‌ها کیستند؟ چه ویژگی‌هایی دارند و درباره چه چیزی صحبت می‌شود. عمومن پرداختن به مفهوم دیگری در نقدادبی سال‌های اخیر، وضعیتی پادرهوا و نامشخص همچون مفهوم مردم در ادبیات سیاسی دارد. مشخص نیست از کدام مردم صحبت می‌شود! در واقع مفهوم «چهره» در اندیشه امانوئل لویناس کلید برخورد با مفهوم دیگری است. جایی که لویناس تاکید می‌کند معرفت نسبت به دیگری تنها از طریق برخورد با «چهره» امکان‌پذیر است و تصور دیگری بدون چهره، بن‌بست خودآگاهی است. از این رهگذر است که می‌توان با در نظر داشتن مفهوم «دیگری» و «چهره» انبوهی از متون ادبی را مورد نقد جدی قرار داد که تا چه میزان در مسیر خودآگاهی نسبت به دیگران پیش رفته‌اند و در مواجهه با چهره دیگری تا چه حد موفق بوده‌اند و توانسته‌اند از وضعیت تجریدی و نامشخص خارج شوند. برای روشن شدن بحث به نظرم بهتر است نقبی به آرای باختین بزنیم؛ وقتی باختین می‌گوید: «مرگ را در نظر بگیرید، بار عاطفی و حتی معنا و بعد هستی‌شناختی هر مرگی برای من عمیقن به موقعیت و جایگاه من وابسته است، مرگ دیگری‌ای که برای من عزیز است، کاملن متفاوت با مرگ یک دیگری غریبه ادراک و معنا و میشود. اگر موقعیت خاص من در ارتباط با افراد مختلف نبود، به یک اعتبار شاید تمام مرگ‌ها برایم یکسان بودند و در نتیجه در آگاهی هویت من بی‌اثر» در واقع مشخص کننده این نقطه‌نظر است که معرفت نسبت به دیگری بسته به زمان، مکان و نوع برخورد با سوژه است و همه دیگری‌های بی‌پایان را نمی‌توان با یکدیگر یک کاسه کرد و لاجرم بر شناخت دیگری و تمایز آن با دیگران تاکید می‌کند؛ هر نوع عدول از این وضعیت و پناه بردن به موقعیت تجریدی از منظر باختینی فروغلتیدن در دام «ناکجایی» است که ماحصلش ظهور نوعی دیگری یکسان با هر نوع دیگری دیگر است، یک نوع دیگری نامتمایز. از این رهگذر نیز می‌توان نتیجه گرفت که نقدادبی باید از نظریه «غیاب دیگری» به نظرگاه «یکسان‌سازی دیگری‌ها» تغییر وضعیت داده و از ذیل تا صدر چنین رویکردی را مورد واکاوای بی‌رحمانه قرار دهد، زیرا همانگونه که باختین تاکید می‌کند: هیچ کلامی نیست که ما به زبان بیاوریم و سخن دیگران در آن حاضر نباشد، سخن ما همواره انباشته از صدای دیگری است» و اصلن زبان نیز محصول تاریخی دیگری و دیگران است، همانطور که خود او در جایی دیگر اشاره می‌کند : «هیچ سخنی صرف گفتار نیست، هر سخنی در واقع نوعی پاسخ است. خاصیت سخن انسانی این است که همواره مخاطبی دارد.» پس با این وجود هر گونه اعتقاد و انتقاد به غیاب دیگری در زبان، شعر و ادبیات از پایه مردود و بی‌اساس است و همانگونه که پیشتر گفته شد بحث بر سر رویکرد زبانی به دیگری است، نه حضور یا غیابِ آن. حتی در تک‌گویانه‌ترین متن‌ها نیز این مورد مصداق دارد، زیرا هر نوعِ تک‌گویی نیز جدل با گفته‌های پیش از خود و به چالش کشیدن دیگری در تک‌گویی است و حتی اگر تک‌گویانه‌ترین متن‌ها هم بخواهند، بخاطر تقابل با آنچه اشاعه نمی‌دهند، در مواجهه با دیگری قرار می‌گیرند و غیاب دیگری به هیچ روی محقق نخواهد گردید.

پرسه در کوچه های موسیقی

رضانودهی – گرگان از جمله شهرهایی است که در آن حال و هوای موسیقی حرارت خاص خود را دارد ،تنوع قومیتی و اجتماع فرهنگهای مختلف در این سرزمین و تلفیق علایق و سلایق منجر به شکل گیری گروههای متنوع موسیقایی شده که این امر از دیرباز تا کنون رنگی خاص به همنشینی اهل دل با نواهای کهن و مدرن شده است . در این میان ژانر پاپ نیز علاقمندان خاص خود را دارد و گروههای حرفه ای گوناگون شکل گرفته و رشد کرده اند . در بین فعالان این عرصه سری به بچه های رایوبند زدیم تا بعد از خستگی اولین اجرای گروهیشان در گرگان باب آشنایی بیشتر مخاطبین مطبوعات با رایوبند باز شود گروهی که پایه های اصلی آن خوانندگانش هستند یعنی آرش طهماسبی فر و مهدی صالحی . سری به مهدی زدم و گپ و گفتی به راه افتاد و ماحصلش را در ادامه خواهید خواند. «رایوبند بهار ۹۶ کلید خورد وبا همکاری دوستان شروع به دعوت از نوازندگان گمنام اما حرفه ای استان کردیم و این پروسه درکنار دیگر کارهای گروه انجام میشد نوازندهای زیادی آمدند و رفتند و ازنجا که قصد بر انتخابی اصولی بر پایه ی تسلط بر ضرب و نت داشت به سختی توانستیم بندی بچینیم و افکار را همراه باورها و علایق شخصی موازی با جامعه مخاطبین شکل دهیم وخوشبختانه بیس اصلی گروه ازنوازندهای خوبی تشکیل شد که باتجربه های خودشان کمک و انگیزه ای بودند برای شروع. درطول تمرین هم نوازندها دچارتغییرشدند که باید اززحمات آن دوستان هم تشکرکنم که درحد همان زمان کم هم برای گروه زحمت کشیدند و وقت گذاشتند . لازم به ذکر است که رایو بند از قبل قطعاتی را ساخته و گروه نهایی آماده برای اجرای اولین کنسرت میشدند . برای روز اجرای کنسرت تبلیغات خوبی درسطح شهرو فضای مجازی انجام دادیم که بازتاب خوبی داشت وهمینطور روز اجرا که واقعا باید تشکر کرد ازهمه ی دوستان وهمشهریهان عزیزوهم استانی که مارا در روز اجرا حمایت کردند . گروه ما یه گروه کاملا بومی بود و اولین اجرای رسمی خود را در گرگان به نمایش گذاشت که مورد استقبال مردم قرار هم گرفت و صد البته انرژی گروه را دوچندان کرد و دلگرمی و امید برای استمرار فعالیتهای رایو بند به ارمغان آورد که امیدوارم به لطف خدا تداوم این حمایت از سوی همشهریان برقرار بماند.» مهدی صالحی در گفته هایش اظهار رضایت داشت از همکاری مسئولین ذیربط مثل اداره کل فرهنگ و ارشاد و اداره اماکن و اصحاب رسانه استان که این همکاری با گروههای بومی بسی جای تقدیر دارد. مهدی و آرش ابتدا به بررسی سلیقه مخاطبین و جامعه هدف در دنیای موسیقی پرداختند و بعد از مشورت با اهالی با تجربه از نظرتشان برای هر چه محکمتر گام برداشتن در مسیرشان استفاده کردند و در واقع پلان کلی رایو بند را ذهنی چیدمان کردند و بعد بر همان مبنا به انتخاب همکاران هنری خود پرداختند. پایه گروه و به بیان دیگر از جمله موارد قابل توجه در رایو بند کنار هم قرار گرفتن دو صدا با دو جنس متفاوت بود که کلام را از یکنواختی های رایج خارج کرده و ساز ها نیز چون نواها گاها در تضاد بودند اما بر مبنای اصول ارکسترال و هارمونی لذت . آثارشان در شبکه های تلویزیونی و رادیویی مختلف در داخل کشور به سمع مردم رسیده و در تلاش برای هر چه بهتر شدن پیش میروند. چشم انداز رایو بند را نه تنها مهدی و آرش که دیگر دلسوزان خالی از حسد نیز روشن می بینند و هر قدمی که تا کنون برداشته اند بر کوله بار تجربه هایشان افزوده و این فریند منجر به آفرینش هایی متناسب با نیازهای روز جامعه خواهد بود نیازهایی مطابق و منطبق با اصول موسیقی و ارزش های حاکم بر آن. انتظار داشتم با این تفاسیر مهدی از اتفاق های خوبی در آینده نزدیک بگوید که همین هم شد اما قول گرفت محرمانه بماند تا سوپرایزی شود برای طرفداران رایو بند که همواره دلی در کنارشان بوده اند . اگر برای مخاطبین رایو بند بخواهیم مخاطب سنی خاص معرفی کنیم باید گفت همچون دیگر همکارانشان در این زمینه ، نسل جوان خواهد بود اما این بدان معنا نیست رایو بند از دیگر سنین غافل بماند و آنها نیز همانطور که در اولین اجرایشان شاهد بودیم بخشی از نمودار آماری مخاطبان را تشکیل داده اند هر چند بخش وسیع و درصد غالب متعلق به سنین جوان و نوجوان بوده است . از مهدی پرسیدم با تمام آنچه گذشت ، در این ۵ یا ۶ سال از صد به خودتان چه نمره ای میدهید؟ گفت ۶۰ و این یعنی انتقاد در سیستم مدیریتی این گروه راه دارد چرا که همیشه از دید خویش بهترین و کامل ترینیم اما در نگاه دیگران نیز باید به جستار خویش پرداخت هر چند این فرضیه گاها مورد رد یا انکار نیز بوده است اما میتوان به داده های آن اعتماد کرد . گروه رایوبند تماما بومی شروع کرد و ادامه داد و امروز بهترین هارا با خود همراه ساخته و تا جایی که بنده از عزیزان این گروه شناخت دارم برخی از نوازندگان رایو بند به تنهایی سابقه و ید طولایی در عرصه موسیقی داشته اند به طور مثال راما معنوی از اولین ها بود که در گرگان به روی سن رفت و اجرای زنده داشت و یا بارها تنظیم های خوبی از میلاد زنگی شنیده ام و دیگر دوستانم که معرفی ایشان با محدودیتهای نشر مواجه میشود. برای رایو بند روزهایی آرام با آسمانی صاف و آبی و خالی از ابر، آرزو دارم و امیدوارم حمایت های مردمی و خادمین عرصه فرهنگ از تمامی گروههای فرهنگی و هنری که افتخار بومی بودن را یدک میکشند استمرار داشته و ثمراتش را در درخشش نام استانمان در سطوح برتر رشته های گوناگون دیده و افتخار به استراباد و هیرکان و پیشینه ی فرهنگی اش کنیم.